

## ویژگی های دوگانگی های ساختاری جامعه ایرانی

### نقش آن در کند / خنثی سازی توسعه

سید محمد میرسندسی<sup>۱</sup>

#### چکیده

جامعه ایرانی به لحاظ تاریخی از دوگانگی های قابل توجهی رنج می برد. دوگانگی هایی که به لحاظ شرایط تاریخی و جبر تغییرات اجتماعی پدید آمده اند ولی، پس از آن کمتر میل به یکپارچگی دوباره در آنها دیده می شود، به شکلی که با نگاهی به جامعه می توان مصادیق متعددی از این دوگانگی - چندگانگی ها را در عرصه های مختلف مشاهده کرد. برای نمونه در اقتصاد می توان به ساختار تولید سنتی (صنایع دستی) - ساختار تولید صنعتی، کشاورزی سنتی - کشاورزی مکانیزه، بازار سنتی (تیمچه و...) - بازار مدرن ( پاساژ و مال و ..) اشاره کرد. در فرهنگ این دوگانگی ها را در کنش، هنجار، ارزش های متفاوت و متعدد می توان همچون ساختار متفاوت حوزه و دانشگاه، نگاه متفاوت به دنیا و جهان پیرامونی و ... سراغ گرفت. در سیاست به گونه ای دیگر این دوچندگانگی ها خودنمایی می کند: تمرکزگرایی-مشارکت جویی، یکه سالاری - مردم سالاری، انتصاب-انتخاب نمو نه هایی از این دوگانگی ها هستند. بنابراین ضمن آن که باید پذیرفت که تعارض و اختلاف یکی از محرک های اصلی توسعه و پیشرفت در جامعه به شمار می آید، اما دامنه اختلاف و تشدید تعارض ها، یا به عبارتی "حجم بالای تعارضات و همسبزی های ناشی از آن" در بزنگاه های مهم نقش اصطکاک بین نیروهای پیش برنده جامعه و خنثی سازی نیروهای اجتماعی را ایفاء می کند و به رغم بکارگیری نیروهای فراوان، در دستیابی به اهداف توسعه ای ناکام می ماند. بر این اساس، با تکیه بر این دیدگاه نظری با محوریت گزاره های زیر می کوشد تا با بسط گزاره های فوق و مستدل و مستند نمودن آنها و بیان و تحلیل اهمیت لزوم گذار از دوگانگی های گریبانگیر جامعه ایرانی، در نهایت مرکز الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را مجاب سازد تا با دیدی وسیعتر به این قضیه نگریسته و زمینه های اجتماعی- سیاسی لازم برای کاستن از حجم و دامنه دوگانگی ها را به عنوان یک هدف راهبردی برای خویش و نهادهای برنامه ریز و تصمیم ساز در دستور کار خویش قرار دهد:

۱- تفاوت و تعارض از لازمه های زندگی اجتماعی است

<sup>۱</sup>استادیار جامعه شناسی دانشگاه امام حسین(ع)، mirsondosi@yahoo.com

- ۲- استمرار تعارض‌ها و حل نشدن آنها در میان مدت برای جامعه مسئله ساز و بحران آفرین است
- ۳- پس ماند تعارضات اجتماعی در طولانی مدت موجب شکل گیری دوگانگی های ساختاری گردیده و همچنان در حال حاضر همخودنمایی می کند.
- ۴- هر یک از ساختارگونه های موجود در جامعه کنش، هنجار، ارزش، نهاد و سازمان یافتگی های خاص خود را دارا می باشند (تقریباً تمامی عناصر موجود در یک ساختار اجتماعی را دارند)
- ۵- جامعه ایرانی حامل ساختارگونه های متعددی در حوزه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است
- ۶- وجود ساختار گونه های چندگانه و شرایط دوچندگانگی ساختاری هزینه های زیادی برای جامعه در پی دارد و تعارضات زیرپوستی و پیوسته ای را موجب می شوند ( برای تصدیق این گزاره کافی است در عرصه سیاسی- اجتماعی به تاریخ ایران در ۲۰۰- ۱۵۰ سال اخیر نگریده و ببینیم چندین تحول اجتماعی عمده از جنس انقلاب، کودتا، و جنبش های اجتماعی از جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه گرفته تا کودتاهای ۱۲۹۹ و ۱۳۳۲ و جنبش های ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی، وقایع سال ۱۳۶۰، کوی دانشگاه ۱۳۷۸ و ۱۳۸۲ و رویدادهای سال ۸۸...، به عنوان پیامدهای تعارضات مورد اشاره در جامعه ایرانی رخ داده است)
- ۷- این تعارضات پیوسته، همواره مانع جدی بر سر راه پیشرفت و توسعه جامعه ایرانی بوده است
- ۸- به هیچ وجه نمی توان تعارضات انباشته شده در جامعه ایرانی را به طور کامل از بین برد، ولی در چارچوب یک چشم انداز میان-دراز مدت بایستی به این راه حل یابی برای این تعارضات توجه داشت و کوشید با برنامه ریزی و آگاهی کامل از دامنه آنها کاست تا شرایط وفاق نسبی و یکپارچگی در ساختارهای اجتماعی پدیدار گردد.

**واژگان کلیدی: دوگانگی ساختاری، پیشرفت، جامعه ایران، کند یا خنثی سازی پیشرفت**

#### ۱- مقدمه

آینده نگری و تلاش برای دست یابی به آرزوهای دور و دراز در گوشه ای از آینده نامعلوم از دیرباز در کانون اندیشه و پیش روی زندگی بشر قرار داشته است و در طول هزاران سال هر فرد، گروه، جامعه، و همچنین مکتب و اعتقادی در هر سطحی کوشیده است تا بر پایه ی آرمان های خویش، صرف نظر از واقعیت های موجود، آینده بهتری را برای خود به تصویر بکشد (م ش با: لنسکی و لنسکی، ۱۳۶۹، ۵۷۹). وعده ی آینده بهتر، تبیین تخیلی آینده، اسطوره سازی و

افسانه پردازی هایی با مضمون "در جستجوی بهشت و پردیس"<sup>۲</sup> کمابیش در فرهنگ بسیاری از جوامع یافت می شود که ، در این چارچوب ، به تعبیر مانهایم (۱۳۸۰) حرکت تاریخی یک جامعه فراتر از نظام عملی زندگی و نظام عملاً موجود و جاری اجتماعی (توپیا) به سمت یک "اتوپیا" با خصوصیتی فرارونده<sup>۳</sup> را شکل می دهند (صص ۶۴-۲۵۸). از این رو ، آینده نگری اتوپیاپی از نظر مانهایم به این معناست که رابطه دیالکتیکی میان واقعیت موجود و اتوپیا در هر عصری اجازه می دهد که گروه های اجتماعی به دنبال تغییر در جهت تمایلات تحقق نیافته و برآورده نشده ای که برآمده از نیازهای عصری اند ، در جریان و حرکت باشند (همان ۲۶۵) .

در همین زمینه ، اسپریگنز (۱۳۷۰) تصویر جامعه نمادین و ارائه الگوی جامعه خوب را برای آینده ای پس از شرایطی که جامعه در آن قرار دارد ، وظیفه نظریه پرداز سیاسی می داند : " من در ذهنم دنیاهایی را مجسم می کنم که هرگز وجود نداشته اند و می پرسم چرا نباید اینها وجود داشته باشد ؟ . نظریه پرداز تا حدودی خیالپرداز هم هست ... و این از کارویژه های آرمان شهر<sup>۴</sup> است..." (صص ۲-۱۴۱) .

همچنین کوشش برای تبیین آینده در چارچوب نظام های اعتقادی ، از جمله در ادیان ، به چشم می خورد و ، از این نظر، فلسفه تاریخ از دیرباز جایگاه استوار و تعیین کننده ای برای مکاتب فکری داشته است ( برای نمونه نک به : داوری اردکانی ، ۱۳۹۲ ؛ یاسپرس ، ۱۳۷۳ ، ۲۳۰-۱۱۳ ؛ پلامناتز ، ۱۳۷۱ ، ۱۶۲-۱۴۳ ؛ مارکوزه ، ۱۳۶۷ ، ۵۶-۲۳۳) . افزون بر رستاخیز و وعده ی پاداش و کیفر به پیروان و به تعبیر مالرب غایت مندی آفرینش و پیشرفت به سوی خدا ( صص ۶۰-۴۵۷) ، آینده بهتر و نهایی در چارچوب اعتقاد به موعودگرایی ، جنبش های هزاره گرایی برای تغییر وضع موجود ( م ش با : همیلتون، ۱۳۷۷ ، ۱۵۲ ) در بسیاری از ادیان و مذاهب دیده می شود. از جمله در بین شیعیان اعتقاد به مهدویت، را می توان به مثابه ساختن و دستیابی به آینده ی مطلوب به شمار آورد

در این میان با گسترش علم در دوره های متاخر زندگی بشر ، آینده پژوهی از چشم اندازی جدید و تا اندازه ای به طور انضمامی درصدد فهم روندهای آتی و جهت و شکل دادن به آینده برآمده است . در این چارچوب ، روش ها و تکنیک های مختلفی ابداع ، عرضه و بکار گرفته شده است که بر پایه آن تلاش می شود تا با دیدگاهی واقع بینانه تر - از آینده

2. Paradise

3. Transcendence

4. Utopia

نگری های پیشین- و به گونه ای علمی و شناخت مند به آینده توجه شود. هر چند پرداختن به آنها در راستای هدف این نوشتار نیست، با این وجود تنها به این نکته اشاره می شود که یکی از این روش های آینده نگری، شناخت روند گذشته - حال - آینده" و آگاهی از وضع موجود، از جمله ظرفیت ها و کاستی ها و ...، و به طور کلی شناخت تاریخی و آن چه که برای یک جامعه طی یک فرایند تاریخی رخ داده و پیکره ی یک جامعه بر پایه ی آن تنیده شده؛ راهی است تا با تکیه بر شناختی که از این طریق به دست می آید، و اصلاح لازم در "مسیر پویای تاریخی از گذشته به آینده"، آینده بهتری را برای سرنوشت پیش روی یک جامعه فراهم آورد (م ش با: روش میر و استفنز، ۱۳۹۳؛ اسمیت، ۱۳۸۶، ۵-۲۸۲؛ لنسکی ولنسکی، ۱۳۶۹، فصل چهاردهم و همچنین اسکاچپول، ۱۳۸۸، فصل یازدهم).

در همین چارچوب، به نظر می رسد که مرکز الگوی اسلامی ایرانی-پیشرفت، به عنوان یک نهاد نوپای حاکمیتی کوشیده است تا بر پایه ی یک نگاه علمی و با فراخوان و همکاری گروهی از اندیشمندان و صاحب نظران حوزه های مختلف پیش نویس سندی را برای آینده جامعه ی ایران در چشم انداز پنجاه ساله و مسیر پیشرفت آن فراهم سازد. از سوی دیگر، پس از انتشار سند پیش نویس الگوی پیشرفت، این مرکز فرصتی دیگر برای طرح دیدگاه صاحب نظران و بهره مندی از نگاه انتقادی به سند فراهم آورده تا با اصلاح و تقویت کاستی های احتمالی آن، مسیر مناسب تری را برای توسعه و پیشرفت ایران پیش بینی نماید.

از این رو با استفاده از این امکان که مرکز در اختیار اندیشمندان و پژوهشگران قرار داده است، در این نوشتار، به عنوان پژوهشگر حوزه جامعه شناسی تاریخی ایران، کوشش خواهیم نمود تا با نگاه انتقادی، ارزیابی خویش را در مورد واقعیت اجتماعی جامعه ایران از یک سو و پیش نویس سند، از سوی دیگر، ارائه نمایم. البته روشن است که تمام وجوه انتقادی و کاستی های احتمالی سند را نمی توان در این مجال کوتاه به رشته سخن در آورد و نقد جامع و فراگیر سند الگو فرصتی جداگانه و وسیعتر لازم دارد. بنابراین، با امکان محدودی که در این زمینه طی برگزاری نشست چالش های پیشرفت اجتماعی ایران و هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت فراهم شده است، در این جا تنها به یکی از مهمترین کاستی های آن چشم انداز جامعه شناختی نگارنده، اشاره خواهد شد. از این رو تکیه اصلی در

ارزیابی انتقادی سند الگو، توجه به تاریخ ایران و وضعیت جامعه معاصر (گذشته و حال) و انگشت گذاشتن بر یکی از مهمترین مسائلی خواهد بود که به نظرمی رسد جای آن در سند و به ویژه در میان تدابیر آن خالی است.

## ۲- بیان مسئله

با نگاهی به شرایط امروزی و تاریخ معاصر ایران، به ویژه پس از ورود به دوران نوین ناشی از نفوذ مدرنیته به جامعه ایرانی در دو-سه قرن اخیر، مشاهده خواهیم کرد که یکی از چالش‌های مهم جامعه ایرانی آن است که در زمینه *وفاق اجتماعی*<sup>۵</sup> کمتر زمانی توانسته به یک وضعیت پایدار و هماهنگ، که بیانگر یک جامعه نرمال باشد، دست یابد<sup>۱</sup>. نداشتن توافق و رواج اختلاف‌هایی که کمابیش از دیرباز بین پاره‌های مختلف جامعه ایرانی استمرار یافته و کم یا زیاد به صورت تضادهای انباشته شده، رشته‌های پیوند، همگرایی و همبستگی را سست کرده و زمینه‌های واگرایی را دامن زده و حتی در برهه‌هایی به صورت ناهنجاری‌هایی همچون اعتراض، نافرمانی، شورش، انقلاب، و ناآرامی‌های دیگر پدیدار گشته است.

به سخن دیگر، پرشماری، استمرار و انباشتگی این تضادها، به ویژه پس از ورود ایران به دوران مدرن و رویارویی با تحولات ناشی از پدیده تاریخی مدرنیته، جامعه ایرانی را از یکپارچگی نسبی دوران پیشامدرن خویش، که بر پایه *نظم* - و هنجار و ارزش‌ها و دیگر عناصر شکل دهنده - *سنتی* جامعه سامان یافته و بیانگر ارزش‌ها، هنجارها، کنش‌ها و جامعه‌پذیری‌های تا اندازه‌ای مشترک و شبیه به هم بوده است، خارج ساخته است. هر چند در این مواجهه تلاش‌هایی صورت گرفته تا *نظم نوینی* را پدید آورد، اما واقعیت‌های اجتماعی بیانگر آن است که کوشش برای جایگزینی نظم نوین، هر چند بخش‌هایی از جامعه ایرانی را تحت تاثیر خویش ساخته، ولی نتوانسته است به طور فراگیر و همه‌جانبه گستره جامعه جدید را دربرگیرد و بخش‌هایی از جامعه، همچنان تا به امروز تحت تاثیر سامان سنتی قرار دارد. بر این پایه، در نهایت می‌توان گفت که تحولات نوپدید برآمده از دوره مدرنیته جامعه ایرانی را به دو-چند پاره تقسیم نموده است. پاره‌هایی درون جامعه ایرانی که هر کدام از آنها ارزش، هنجار و کنش‌های خاص خود را دارند و بی

<sup>5</sup>. Social consensus

اعتنا به دگرپاره ها می زنند. پیوستگی، پایداری و رسوب این وضعیت در هریک از بخش های جامعه معاصر ایران، دست کم در سراسر یک صد ساله اخیر، جامعه به طور نسبی یکپارچه پیشین را تبدیل به یک جامعه با - دست کم - دو ساختارگونه نموده است، که هر یک از آنها شبه ساختاری است که ارزش ها، قواعد و هنجارها و نظم درونی خود را دارد و در این شرایط هر پاره نه تنها نظم فراگیر را، بلکه نظم ساختار گونه دیگر را بر نمی تابد، نسبت به آن بی اعتناء و حتی بی اعتماد است.

این وضعیت که من - با توصیفی که گذشت - از آن با عنوان **دوگانگی ساختاری** یاد می کنم، یکی از ویژگی های برجسته و تاثیرگذار جامعه معاصر ایرانی است. با وام گیری از اصطلاح برگر و دیگران (۱۳۸۱، فصل سوم) می توان گفت که ما با جامعه ای با جهان زیست های گوناگون مواجهیم که دست کم دوگانگی در آن تا آن اندازه روشن است که شاید بی نیاز از تلاش برای اثبات آن باشیم<sup>۱۱۱</sup>. ویژگی که بدون توجه به آن و شناسایی اش نمی توان به تحلیل درست و واقع بینانه ای از جامعه ایرانی دست یافت. ویژگی که در بیشتر زمینه ها به مانند یک ترمز و نیروی بازدارنده در برابر حرکت جامعه در مسیر پیشرفت و توسعه عمل می کند و از بازبایی جایگاه تاریخی خود و یافتن مسیر پیشرفت جلو گیری می کند.

بر این پایه، پرسشهای اصلی این نوشتار، که درصدد پاسخ یابی برای آنها برخوادم آمد، آن است که

۱- ویژگی های دوگانگی ساختاری جامعه ایرانی چیست؟ سرچشمه ی این دوگانگی ها از کجاست؟

۲- ارتباط دوگانگی ها با درجا زدن و پیشرفت نکردن جامعه چیست؟

۳- راه حل های کاهش دوگانگی ها چیست؟

۴- راهبردها و تدابیر لازم، که جای آنها در تدابیر الگو خالی است، چیست؟

## ۲- در توضیح و تشریح ابعاد مسئله

برای روشن شدن مسئله نخست راجع به مفهوم دوگانگی ساختاری بایستی قدری سخن گفت. در آغاز با تکیه و

محوریت گزاره های زیر این دیدگاه نظری توضیح داده می شود:

۱-۲ تفاوت و تعارض، به دلایل مختلف جزئی از ماهیت زندگی اجتماعی است (م ش با گیدنز، ۱۳۷۴، ۷۶۰؛ شارون، ۱۳۸۴، ۹۷؛ تامين، ۱۳۷۳، ۱۸): از این رو منظور این نوشتار حذف و نادیده گرفتن اختلاف های طبیعی که از ویژگی های هر جامعه ای می باشد، نیست (م ش با: گرب، ۱۳۷۳، ۱۵۲). اما آن چه که در کانون توجه این نوشتار قرار دارد تاکید بر این نکته مهم است که نادیده گرفتن و چشم پوشی از تضادهایی که با پایداری و پیوستگی شان در مسیر زندگی روزمره، جامعه را دچار شکاف و گسست می نمایند و به صورت زیرپوستی دو یا چند گونه قطبی از روابط و مناسبات اجتماعی، با ارزش ها، هنجارها و کنش های متمایز پدید می آورند، تا جایی که حتی در جامعه معاصر ایران این روند فزاینده به شکل گیری و سربرآوردن نهادهای موازی، به مثابه کانون انباشت تفاوت ها و تعارض ها، هم انجامیده است.

۲-۲- استمرار تعارض ها و حل نشدن آنها، به دلایل گوناگونی همچون نداشتن ایده راهبردی برای حل مسائل تعارضی، نبود مدیریت حل تعارض، به لحاظ دیدگاه و اجرایی، برای کاستن از سطح تعارض های اجتماعی، جای خالی روش های تنش زدایی در فرایند جامعه پذیری و بی توجهی به برنامه های آموزشی همگرایانه و ضعف در همبودگی اجتماعی، غلبه ی فرهنگ فردگرا و دمیدن به جامعه توده ای در عصر رسانه ها، و .... به نوبه خود در میان مدت برای جامعه مسئله ساز و بحران آفرین است و به انباشت تعارض ها به صورت تاریخی در جامعه معاصر ایران کمک کرده است.

۲-۳- انباشت و پس ماند تعارضات اجتماعی در طولانی مدت موجب شکل گیری کانون های متمایز خودی از دیگری می شود که در جای خود به پایداری دوگانگی های ساختاری منجر گردیده، چنان که در واقعیت اجتماعی جامعه معاصر ایران همچنان این پدیده با قدرت خودنمایی می کند. بر این پایه، در هر یک از ساختارگونه های موجود در جامعه کنش، هنجار، ارزش، نگرش، نهاد و سازمان یافتگی های خاص خود را می توان به صورت متمایز از دیگر ساختار گونه های درون جامعه ملاحظه کرد (تقریباً هر یک از ساختارگونه ها تمامی عناصر موجود در یک ساختار اجتماعی را دارند)

در هر صورت جامعه ایرانی به لحاظ تاریخی از دو- چندگانگی های قابل توجهی رنج می برد. عارضه ای که به لحاظ شرایط تاریخی و چه بسا جبر تغییرات اجتماعی پدید آمده اند ولی پس از سربرآوردن آن کمتر میل و اراده قدرتمندی به یکپارچگی دوباره در آنها دیده می شود ، به شکلی که با نگاهی به جامعه امروزی می توان مصادیق متعددی از این دوگانگی - چندگانگی ها را در عرصه های مختلف اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی مشاهده کرد. برای نمونه

- در اقتصاد می توان به ساختار تولید سنتی (کارگاه های صنایع دستی) در برابر ساختار تولید صنعتی (کارخانه های صنعتی) ، کشاورزی سنتی در برابر کشاورزی مکانیزه کشاورزی با اتکاء به منبع آب چاه ۰ موتور پمپ) و یا کاریز و قنات ( م ش با جمعه پور ، ۱۳۹۰ ، ۱۶۹) ؛ بازار سنتی ( راسته و گذر بازار ، کاروانسرا ، تیمچه و...) در برابر بازار مدرن ( بورس ، پاساژ ، فروشگاه های بزرگ و مال و .. ) اشاره کرد. دوگانگی هایی که ، در مورد اخیر ، به تعبیر نصرتی ( ۱۳۹۴ ) چالش ها و بحران های مختلفی ، از جمله بحران نظم نهادی ، بحران عقلانیت آیینی و معنوی ، بحران تعدد کارکردی و حک شدگی ، بحران عادتواره یا منش سنتی ، و بحران کارکرد هویت بخشی به شهر را برای بازار و محیط پیرامون آن به ارمغان آورده است (صص ۸۴-۲۷۵) .

- همچنین در فرهنگ این دوگانگی ها را در چارچوب کنش ، هنجار و ارزش های متفاوت و متعدد می توان سراغ گرفت<sup>۷</sup> که حتی پیوستگی و پیشروی آنها در زندگی روزمره تا اندازه ای حالت ساخت یافتگی پیدا کرده است ، همچون همچون ساختار متفاوت حوزه و دانشگاه<sup>۷</sup> ، که نگاه متفاوت به دنیا و جهان پیرامونی و ... را از آنها می توان سراغ گرفت . پذیرش موسیقی ، سینما ، تئاتر و هنرهای دیگر در برابر تحریم و حرام پنداری آنها نمونه ای دیگر از باور و نگرش های متفاوت می باشد و ...

- در سیاست به گونه ای دیگر این دو-چندگانگی ها خودنمایی می کند: تمرکزگرایی-مشارکت جویی، یکه سالاری - مردم سالاری، نهادهای انتصابی- نهادهای انتخابی نمونه هایی از این دوگانگی ها هستند . ( برای نمونه نک به : همایون کاتوزیان ، ۱۳۹۱ ، فصل ۱۴؛ بشیریه ، ۱۳۸۴ ، ۵۱ ؛ توسلی و نجاتی حسینی ، ۱۳۸۳ ، ۵۸) .



### ۳- تحلیل

۱-۳- بنابراین ضمن آن که در جای خود باید پذیرفت که تعارض و اختلاف یکی از محرک های اصلی توسعه و پیشرفت در جامعه به شمار می آید ، اما در عین حال، دامنهٔ اختلاف و تشدید تعارض ها ، یا به عبارتی " حجم بالای تعارضات و همستیزی های ناشی از آن " در بزنگاه های مهم نقش اصطکاک بین نیروهای پیش برنده جامعه و خنثی سازی نیروهای اجتماعی و ظرفیت های موجود برای توسعه را ایفاء می کند و در نتیجه به رغم بکارگیری انرژی ، سرمایه و نیروهای فراوان ، در دستیابی به اهداف توسعه ای ناکام می ماند . پایداری و تداوم دو-چندگانگی ساختاری برآیند انرژی را در پایین ترین سطح ، تهی از هم افزایی<sup>۶</sup> ، و سرمایه های جامعه ایرانی ( مادی ، اجتماعی ، انسانی ، فرهنگی و ... ) را در مسیر هرز رفتن باقی می گذارد م ش با رفیع پور ، ۱۳۷۶ ، ۵۴۴ ) .

۲-۳- وجود ساختار گونه های چندگانه و شرایط دو-چندگانگی ساختاری در عین حال که هزینه های زیادی برای جامعه در پی دارد و تعارضات زیرپوستی و پیوسته ای را موجب می شوند و شرایط قطبی شدن اختلاف ها را هم موجب می شوند. برای تصدیق این گزاره کافی است در عرصه سیاسی- اجتماعی به تاریخ ایران در ۲۰۰- ۱۵۰ سال اخیر نگرسته و ببینیم چندین تحول اجتماعی عمده از جنس انقلاب، کودتا، و جنبش های اجتماعی از جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه گرفته تا کودتاهای ۱۲۹۹ و ۱۳۳۲ و جنبش های ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی ، وقایع سال ۱۳۶۰، کوی دانشگاه ۱۳۷۸ و ۱۳۸۲ و رویدادهای سال ۸۸... ، به عنوان پیامدهای تعارضات مورد اشاره در جامعه ایرانی رخ داده است ( افزون بر آن در وضعیت فعلی هم در آینده پژوهی های اخیر آ از جمله دربرای سال ۱۳۹۴ می بینیم این مسئله به عنوان یکی از مسایل پیش بینی شده از سوی کارشناسان در سال های اخیر بوده است<sup>vi</sup>

۱. این تعارضات پیوسته ، همواره مانع جدی بر سر راه پیشرفت و توسعه جامعه ایرانی بوده است

۲. به هیچ وجه نمی توان تعارضات انباشته شده در جامعه ایرانی را به طور کامل از بین برد ، ولی در

چارچوب یک چشم انداز میان-دراز مدت بایستی به این راه حل یابی برای این تعارضات توجه داشت و کوشید با برنامه ریزی و آگاهی کامل از دامنه آنها کاست تا شرایط وفاق نسبی و یکپارچگی در ساختارهای اجتماعی پدیدار گردد.

<sup>6</sup>. Synergy

این پژوهش می‌کوشد تا با بسط گزاره‌های فوق و مستدل و مستند نمودن آنها و بیان و تحلیل اهمیت لزوم گذار از دوگانگی‌های گریبانگیر جامعه ایرانی، در نهایت مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را مجاب سازد تا با دیدی وسیع‌تر به این قضیه نگرسته و زمینه‌های اجتماعی-سیاسی لازم برای کاستن از حجم و دامنه دوگانگی‌ها را به عنوان یک هدف راهبردی برای خویش و نهادهای برنامه‌ریز و تصمیم‌ساز در دستور کار خویش قرار دهد

## راه حل‌ها

- ۱- اهتمام به تقویت نگاه مدیریت حل تعارض
- ۲- توجه به وفاق ملی و لوازم مورد نیاز و ضروری آن
- ۳- شناسایی و تصدیق دوگانگی‌ها، به جای نفی و انکار آنها، و یافتن راه حل علمی برای کاستن از دامنه اختلاف‌ها
- ۴- اتخاذ رویکردهای کمینه‌گرایی<sup>۷</sup> در انتظارات مدیریت اجتماعی - سیاسی و پرهیز از رویکردهای انتظارات بیشینه‌گرا<sup>۸</sup>
- ۵- تلاش برای جایگزینی رقابت با تعارض در عرصه‌های اجتماعی-سیاسی و اقتصادی
- ۶- بازنگری جدی در رویارویی با جهان جدید همراه با شناخت هرچه بیشتر و برخورد فعال به جای برخورد منفعل

## منابع

- آزاد ارمکی و ملکی، تقی و امیر (۱۳۸۶)؛ "رابطه ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان"؛ نامه علوم اجتماعی: دوره ۳۰، شماره ۰، اردیبهشت، صص ۹۷-۱۲۱.
- بی‌نا (۱۳۹۴) *آینده پژوهی ایران ۱۳۹۴*؛ آینده بان: رسانه تخصصی آینده پژوهی.
- اسپریگنز، توماس (۱۳۷۰)؛ *فهم نظریه‌های سیاسی*؛ ترجمه فرهنگ رجایی؛ تهران: آگاه، چ ۲.
- اسکاچپول، تدا (۱۳۸۸)؛ *بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی*؛ ترجمه سید هاشم آقاجری؛ تهران: نشرمرکز.

7. Minimalistic

8. Maximalistic

- اسمیت ، دانیل (۱۳۸۶)؛ *برآمدن جامعه شناسی تاریخی*؛ ترجمه سیدهاشم آقاجری؛ تهران: مروارید.
- برگر و دیگران، پیتر (۱۳۸۱)؛ *ذهن بی خانمان: نوسازی و آگاهی*؛ ترجمه محمد ساوجی؛ تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴)؛ *دیباچه‌ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران: دوره جمهوری اسلامی*؛ تهران: نگاه معاصر، چ ۳.
- پلامناتز، جان (۱۳۷۱)؛ *فلسفه اجتماعی و سیاسی هگل*؛ ترجمه حسین بشیریه؛ تهران: نشر نی، چ ۲.
- تامین، ملوین (۱۳۷۳)؛ *جامعه شناسی قشربندی و نابرابری های اجتماعی: نظر و کاربردی*؛ ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر؛ تهران ک توتیا.
- توسلی و نجاتی حسینی، غلامعباس و سید محمود (۱۳۸۳)؛ *"واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران"*؛ مجله جامعه شناسی ایران: دوره پنجم، ش ۲، تابستان، صص ۶۲-۳۲.
- جمعه پور، محمود (۱۳۹۰)؛ *بومی سازی در عرصه توسعه روستایی و نقش دانش بومی در فرایند آن*؛ فصلنامه دانش بومی: سال اول، ش ۱، زمستان، صص ۱۸۰-۱۵۱.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۲)؛ *فلسفه و آینده نگری*؛ تهران: سخن.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶)؛ *توسعه و تضاد: کوششی در تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- روش میر و استفنز، دیتریچ و جان (۱۳۹۳)؛ *"مقایسه توالی های تاریخی - یک ابزار قدرت مند برای تحلیل علی؛ پاسخی به «مشکلات جاری در جامعه شناسی کلان تطبیقی»"*؛ ترجمه کاظم سام دلیری در: *روش شناسی کیفی: جامعه شناسی تاریخی و تطبیقی-تاریخی*؛ تهران: جامعه شناسان، صص ۱۷۰-۱۴۱.
- شارون، جوئل (۱۳۸۴)؛ *ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: نشر نی، چ ۴.
- عبدی و گودرزی، عباس و محسن (۱۳۷۸)؛ *تحولات فرهنگی در ایران*؛ تهران: روش.
- فاضلی و سروی، نعمت الله و حسین (۱۳۹۲)؛ *"بررسی گفتمان های تجددگرا و نوسنت گرای موسیقی در ایران معاصر"*؛ فصلنامه علوم اجتماعی: ش ۶۳، زمستان، صص ۸۷-۲۴۱.
- گرب، ادوارد ج. (۱۳۷۳)؛ *نابرابری اجتماعی: دیدگاه های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر*؛ ترجمه محمد سیاهپوش و احمد رضا غروی زاد؛ تهران: نشر معاصر.

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)؛ *جامعه‌شناسی*؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: نشر نی، چ ۲.
- لنسکی ولنسکی، گرهارد و جین (۱۳۶۹)؛ *سیرجوامع بشری*؛ ترجمه ناصر موفقیان؛ تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- مارکوزه، هربرت (۱۳۶۷)؛ *خرد و انقلاب*؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: نشر نقره.
- مالرب، میشل (۱۳۷۹)؛ *انسان و ادیان*؛ نقش دیدن در زندگی فردی و اجتماعی؛ ترجمه مهران توکلی؛ تهران: نشر نی.
- مانهایم، کارل (۱۳۸۰) *ایدئولوژی و اتوپیا: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شناخت*؛ ترجمه فریبرز مجیدی؛ تهران: سمت.
- مهدیزاده، شراره (۱۳۸۴)؛ "تلویزیون، مخاطب و نگرش نو"؛ مجله جامعه‌شناسی ایران: دوره ششم، ش ۴، زمستان، صص ۲۱۱-۱۸۵.
- میرسندسی، سید محمد (۱۳۹۴) "تحلیل نابرابری‌های ذهنی (احساس بی‌عدالتی) در ایران"؛ در: *گزارش اجتماعی کشور*؛ تهران: شورای اجتماعی کشور.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)؛ "ادراک کارکنان نظامی از عدالت سازمانی"؛ فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، ش ۱۴؛ پاییز و زمستان، صص ۲۲۰-۱۹۹.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹) "تحلیل «درک از عدالت» مردم در مشهد"؛ *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ش ۱۲، زمستان، صص ۵۱-۱۳۰.
- نصرتی، روح‌الله (۱۳۹۴)؛ "مطالعه انسان‌شناختی بحرانهای اقتصاد سنتی در گذار به موقعیت جدید" *مطالعه موردی بازار سنتی تهران*؛ پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۲۸۶-۲۶۷.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۱)؛ *ایرانیان: تاریخ باستان، میانه، و امروز ایران*؛ ترجمه حسین شهیدی؛ تهران: نشر مرکز.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)؛ *جامعه‌شناسی دین*؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- یاسپرس، کارل (۱۳۷۳)؛ *آغاز و انجام تاریخ*؛ ترجمه محمد حسن لطفی؛ تهران: خوارزمی، چ ۲.

## پی‌نوشت

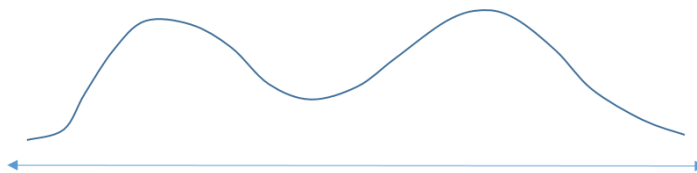
۱ در آخرین ارجاع (اسکاچپول رویکردهای مختلف روشی در جامعه‌شناسی تاریخی را بررسی و تحلیل مکی کند .  
 ۱۱ توضیح آن که وقتی سخن از وفاق اجتماعی ، در یک **جامعه‌ی متنوع و منکثر** ، به لحاظ شیوه زیست ( دامداری و کوچروی ، کشاورزی، صنعتی و ...) ، شهری- روستایی- عشایری ، مذهبی ، قومی ، زبانی ، نژادی و ... می‌شود ، به معنای آن نیست که انتظار داشته باشیم همشکلی و همانندی فراگیر و همه‌گیری رخ دهد به گونه‌ای که همه اعضای جامعه از هر نظر شبیه یکدیگر باشند ، بلکه سخن از وفاق اجتماعی و جامعه نرمال را می‌توان همسان **قانون منحنی توزیع نرمال** در نظر گرفت که بیشترین توافق‌ها حول میانگین و در وسط قرار می‌گیرد که در این صورت تنها ۶۸٪ از اعضای جامعه در موقعیت شبیه به هم ، یعنی ف به زبان آماری در " +۱- انحراف معیار" قرار می‌گیرند و از این نظر کمترین اختلاف را با یکدیگر دارند و ۹۵٪ افراد در +۲- انحراف از معیار قرار می‌گیرند ،



شکل ۱- منحنی توزیع نرمال

و متفاوت‌ترین آدم‌ها با ویژگی‌های افراطی (Extreme) شان تنها به میزان ۲.۵ درصد و در بخش انتهایی دو کرانه جای می‌گیرند . در این چارچوب، "بسیار متفاوت‌ها" هم نسبتشان کم است و هم جایگاهشان بسیار کمتر از آنهایی است که معتدلند و در پیرامون میانگین و وسط منحنی جای گرفته‌اند .

۱۱۱ در مقایسه با جامعه نرمال و دارای وفاق که با تکیه بر الگوی منحنی نرمال ، بیشترین تشابه‌ها را در وسط منحنی و میانگین جای می‌دهد ، همچنان که در شکل زیر ، و در مقایسه با منحنی نرمال ، دیده می‌شود ، در شرایط دوگانگی ساختاری منطقه میانگین به نسبت خالی و در مقابل در حدود افراطی قطب‌هایی شکل گرفته است و این مناطق پر شده‌اند



شکل ۲- منحنی توزیع غیر نرمال دوقطبی

برای نمونه،

<sup>iv</sup> درباره نگرش‌هایی که بیانگر دوگانگی هستند، تحقیقات قابل توجهی صورت گرفته است. عبدی و گودرزی (۱۳۷۸) نشانه‌های این دوگانگی‌ها را با عنوان **تجزیه فرهنگی** در زمینه‌های نگرشی، هنجاری و کنش بررسی تجربی کرده‌اند. همچنین یافته‌های تجربی من در چند پژوهش درباره **درک عدالت و نگرش مردم** این نظر را، مبنی بر وجود دوگانگی‌ها تایید می‌کنند: از جمله نک به: میرسندهی، ۱۳۹۴؛ ۱۳۹۲؛ ۱۳۸۹. همچنین دوگانگی‌های فرهنگی در وجوه دیگر را می‌توانید ببینید در: در سطح نهادی (خانواده و دین) در: آزادارمکی و ملکی، ۱۳۸۶؛ در زمینه تلویزیون و نوگرایی در مخاطب آن در مهدیزاده، ۱۳۸۴، ۲۰۱؛ در زمینه موسیقی نک به: فاضلی و سروی، ۱۳۹۲، ۴-۲۸۳).

<sup>v</sup> استمرار تعارض و دوگانگی در این زمینه از زمان تاسیس دانشگاه در ایران، به عنوان یک نهاد معرفتی مدرن، در کنار نهاد سنتی معرفت، یعنی حوزه علمیه طی دوره تاریخ معاصر ایران، رهبر انقلاب را در سال‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب بر آن داشت تا **"تزوحدت حوزه و دانشگاه"** را مطرح نماید و در ادامه حتی برای دستیابی به آن اقدام به **نهادسازی** هم شد.

<sup>vi</sup> در گزارش آینده بان (۱۳۹۴)، رسانه تخصصی آینده پژوهی در چند زمینه به زمینه‌های دوگانگی و تعارض‌ها و اختلافات موجود در جامعه، از جمله قطبی‌شدگی جامعه، پرخاشگری و نزاع‌های فردی، تضاد منافع واردکنندگان و تولیدکنندگان، تغییر مرجعیت فرهنگی به بیرون از مرزها، مرکز‌گریزی از هنجارهای رسمی، فربه شدن فرهنگ زیرزمینی، تنش میان فرهنگ رسمی و غیررسمی در سبک زندگی، نزاع‌های سیاسی جریان‌های سیاسی، اختلافات درون حاکمیتی درباره مسائل فرهنگی، به عنوان مهمترین مسائل کشور در این سال‌ها اشاره شده است.